



مجموعه مقالات
نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم
پیشگیری از تکرار جرم و بزه دیدگی
به کوشش گروهی از اساتید



انستیتو ملی علوم جنسیات ایران

اسفندماه ۱۳۸۷
دفتر تحقیقات کاربردی
پلیس پیشگیری ناجا

ترس از بزهدیدگی مکرر

سید مهدی سیدزاده ثانی*

چکیده

ترس از جرم و بزهدیدگی مکرر، مزوره بسیار شایع است. بسیاری از مجرمین از جرم و اهرمه داشته و می‌توانند که میل بزهدیده شوند. میزان ترس از جرم در یک فرد به عوامل زیادی بستگی دارد که در این میان می‌توان به عواملی مانند جنسیت، سن، تجارب قبلی، محل زندانی و قومیت فرد اشاره کرد. البته توجه به پیچیدگی بسیار زیاد موضوع و کثرت عوامل دخیل در آن، طبیعی است که نتایج هرگونه جمع‌بندی و نتیجه‌گیری، کاری دشوار باشد. و تحقیقاتی ضرورت گرفته، نهایتاً به پیچیدگی بیشتر موضوع کمک کند. وکتسین برده به ترس از جرم و بزهدیدگی مکرر، تفاوت سبک روحی ناشی می‌کنند. و جرم به دوری کند، برخی از خدمات از ترسین. بی می‌گیرند و گزاهی به تصور می‌کنند. اگر دارای مزاج معزومه باشند، در مثبت پیشگیری به سر خواهند برد. دولت‌ها و پلیس، با طرح‌ریزی برنامه‌های مختلف پیشگیری از جرم، به دنبال کاهش ترس از جرم و بزهدیدگی مکرر هستند. این کارایی می‌تواند به شرح‌ها، نیاز به بررسی‌های بیشتر دارد. نکته دیگر این‌که پژوهش‌های انجام گرفته در این زمینه، بر تازم ترسین جنایتی مواجه هستند که تأیید، صحت یافته‌های این تحقیقات را تا حدی تأیید می‌کند. و جنسیت، از بر دلت، می‌توان به مزود گروه شاهد و در نظر گرفتن شده عوامل دخیل در مسئله اشاره کرد. رسانه‌های گروهی نقش تعیین‌کننده در بحران ترس از بزهدیدگی مکرر دارند. علت این امر چنین بیان شده که رسانه‌ها، صرف جرم به و به صورت غیرواقعی و اغراق شده مورد پوشش خبری قرار می‌دهند. این امر سبب می‌شود که مجرم تصور کنند میزان جرم به بیش از آن چیزی است که واقعاً رخ می‌دهد. در این مقاله سعی می‌شود تا بر می‌دهد ترس از جرم و بزهدیدگی مکرر، نقش رسانه‌های گروهی در پلیس در کاهش میزان آن بیان شود.

کلیدواژه‌ها: ترس از جرم، رسانه‌های گروهی، پلیس، ترس از بزهدیدگی مکرر.

* دانشجوی دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

ترس از بزهدیدگی مکرر

سید مهدی سیدزاده ثانی^۱

چکیده:

ترس از بزهدیدگی مکرر یا به عبارت دیگر ترس از جرم به دلیل سوابق قبلی بزهدیدگی امروزه بسیار شایع است. بسیاری از مردم از جرم واهمه داشته و می‌ترسند که مبدا قربانی جرمی شوند. ترس از جرم واکنشی احساسی است که با دو ویژگی احساس خطر و دلهره نمود می‌یابد و ناشی از ترس از صدمات فیزیکی است، این احساس برخاسته از نشانه‌های جرم محوری است که به تصور فرد در محیط پیرامونی وی وجود دارد میزان ترس از جرم در یک فرد به عوامل زیادی بستگی دارد، که در این میان می‌توان به عواملی چون جنسیت، سن، تجارب قبلی، محل زندگی و قومیت فرد اشاره کرد. البته با توجه به پیچیدگی بسیار زیاد موضوع و کثرت عوامل دخیل در آن طبیعی است که انجام هرگونه جمع‌بندی و نتیجه‌گیری کاری دشوار باشد و تحقیق‌های صورت گرفته تنها به پیچیدگی بیشتر موضوع کمک کند. در بدو امر چنین به نظر می‌رسد که بزهدیدگی مکرر بیشترین تاثیر را بر ترس از جرم باقی می‌گذارد، اما یافته‌های پژوهش‌های مختلف چندان موید این ادعا نیست.

واکنش مردم به ترس از جرم متفاوت است: برخی تلاش می‌کنند از جرائم دوری گزینند، برخی راه حمایت از خویش را پی می‌گیرند و گروهی هم تصور می‌کنند اگر دارای آماج مجرمانه نباشند، در امنیت بیشتری به سر خواهند برد. دولت‌ها و پلیس با طرح‌ریزی برنامه‌های مختلف پیشگیری از جرائم به دنبال کاهش ترس از جرم هستند. ولی کارایی این طرح‌ها نیاز به بررسی‌های بیشتر دارد. نکته دیگر اینکه پژوهش‌های انجام گرفته در این زمینه با ایرادات روش‌شناختی چندی مواجه هستند که تایید صحت یافته‌های این تحقیقات را با مشکل مواجه می‌کند.

کلمات کلیدی: جرم، ترس از جرم، بزهدیدگی مکرر.

^۱ دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

فهرست

۳	چکیده:
۴	فهرست
۶	(۱) مقدمه
۶	(۲) مبانی نظری
۶	(۱/۲) مفهوم ترس از جرم
۸	(۲/۲) آمار ترس از جرم
۹	(۳/۲) ایرادات وارد بر پژوهشهای ترس از جرم
۱۰	(۳) عوامل موثر در ایجاد ترس از جرم
۱۰	(۱/۳) جنسیت
۱۱	(۲/۳) سن
۱۱	(۳/۳) جغرافیا
۱۱	(۴/۳) قومیت و فرهنگ
۱۲	(۵/۳) رسانه‌های گروهی
۱۲	(۶/۳) سایر متغیرها
۱۳	(۴) تأثیر تجارب قبلی بزه‌دیدگی بر ترس از جرم
۱۶	(۱/۴) بزه‌دیدگی مکرر و ترس از جرایم خانگی
۱۷	(۲/۴) بزه‌دیدگی مکرر و ترس از جرایم علیه اشخاص
۱۸	(۵) پاسخ‌ها به ترس از جرم
۱۸	(۱/۵) ماتریکس ترس از جرم
۱۹	(الف) برنامه‌های پیشگیری از جرم (حیطه میزان بالای جرایم و میزان بالای ترس از جرم)
۲۰	(ب) حیطه ترس از جرم (میزان جرایم پائین و میزان ترس از جرم بالا)
۲۰	(ج) حیطه راهبردهای آموزشی (میزان جرایم بالا و میزان ترس از جرم پائین)
۲۰	(د) حیطه ایده‌آل (میزان جرایم پائین و میزان ترس از جرم پائین)
۲۰	(۲/۵) طرح‌ریزی و اجرای برنامه‌های عملیاتی پاسخ به ترس از جرم
۲۰	(۱) همفکری با جامعه هدف
۲۱	(۲) تشکیل کارگروه با عضویت نمایندگان از گروه‌های هدف

- ۳) تعیین یک راهبرد مشخص برای مقابله با منشا اصلی ترس از جرم..... ۲۱
- ۴) انجام پژوهش برای شناخت علل محیطی و اجتماعی ترس از جرم..... ۲۲
- ۵) تعیین اهداف برنامه‌های عملیاتی..... ۲۲
- ۶) تعیین راهبردها برای نیل به اهداف..... ۲۲
- ۷) اجرای برنامه‌ها در یک دوره آزمایشی..... ۲۲
- ۸) ارزیابی برنامه بعد از دوره آزمایشی..... ۲۳
- ۹) ادامه اجرای برنامه اصلاح شده..... ۲۳
- ۶) نتیجه‌گیری..... ۲۳
- منابع..... ۲۴

(۱) مقدمه

بیش از سی‌و‌اندی سال پیش فراستنبرگ در خصوص ترس از جرم اظهار نظری کرده است که هنوز هم آنرا می‌توان حاصل جمع یافته‌های محققان در خصوص ترس از جرم در سال‌های اخیر دانست: "رابطه جرم با عواقب آن نه روشن است و نه ساده" (Furstenberg, 1972). گرچه تحقیق‌های بسیار زیادی در سال‌های اخیر در بسیاری از کشورها در خصوص زوایای مختلف ترس از جرم صورت پذیرفته، و در پرتو این یافته‌ها، برخی از زوایای ترس از جرم روشن شده است، ولی گفته فوق همچنان مصون از ایراد باقی مانده است.

هر پیشرفتی که رخ داده، هر مفهومی که بازتعریف شده و هر آزمونی که انجام پذیرفته تنها توانسته سوالات بیشتر و تازه‌تری را در ذهن ایجاد کند. البته با توجه به پیچیدگی بسیار زیاد موضوع و کثرت عوامل دخیل در آن طبیعی است که انجام هرگونه جمع‌بندی و نتیجه‌گیری کاری دشوار باشد و تحقیق‌های صورت گرفته تنها به پیچیدگی بیشتر موضوع کمک کند.

ترس از جرم توجه محققان زیادی را در دهه‌های اخیر به خود جلب کرده است. در ابتدا ترس از جرم به عنوان ابزاری برای شناسایی آمار سیاه جرم (میزان جرایمی که شناسایی نمی‌شود) به کار می‌رفت. در ابتدا فرض بر این بود که ترس از جرم بیش از هر چیز با سوابق قبلی بزه‌دیدگی مرتبط باشد، اما به مرور زمان بطلان این فرضیه به اثبات رسید و مشخص شد که در کنار این عامل، ده‌ها عامل ریز و درشت دیگر در ایجاد ترس از جرم نقش دارند.

قبل از ورود به بحث ضروری است تا نکاتی پیرامون عنوان این مقاله "ترس از بزه‌دیدگی مکرر" بیان شود. عنوان مرکب از دو و یا به عبارتی سه واژه است. در خصوص ترس در ادامه توضیحاتی می‌آید. بزه‌دیدگی مکرر به معنای تکرار بزه‌دیدگی است. بزه‌دیده یا قربانی کسی است که به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم از ارتکاب جرم صدمه و زیان می‌بیند. با توجه به اینکه بزه‌دیده، قربانی یک "جرم" می‌شود، ترس از بزه‌دیدگی را می‌توان نوعی ترس از جرم دانست. بنابراین، ترس از جرم موضوع کلی این مقاله بوده و ترس از بزه‌دیدگی در ذیل آن قرار می‌گیرد. ترس از جرم علل و عوامل گوناگونی داشته و در تبیین آن از متغیرهای مختلفی چون سن، جنسیت، نژاد، سطح اقتصادی، محیط اجتماعی و بالاخره سوابق قبلی بزه‌دیدگی استفاده می‌شود. سوال اصلی در این جستار آن است که سوابق قبلی بزه‌دیدگی چه تاثیری بر ترس از جرم دارد؟ با توجه به فقر نسبی ادبیات فارسی در زمینه ترس از جرم ابتدا ضروری است مطالبی پیرامون ماهیت ترس از جرم و عوامل مختلف موثر بر آن بیان شود. بعد از آن نوبت به بررسی تاثیر بزه‌دیدگی مکرر بر ترس از جرم می‌رسد. پاسخ‌ها به ترس از جرم بخش بعدی مقاله را تشکیل می‌دهد. در بیان پاسخ‌ها، بعد از تبیین ماتریکس ترس از جرم، نحوه طرح ریزی و اجرای این پاسخ‌ها مورد اشاره قرار می‌گیرد.

(۲) مبانی نظری

(۱/۲) مفهوم ترس از جرم

ترس از جرم چیست؟ ترس را می‌توان واکنشی احساسی تعریف کرد که با دو ویژگی احساس خطر و دلهره نمود می‌یابد. (James Garofalo, 1981). برای درک مفهوم ترس از جرم ناگزیر از آن هستیم که احساس خطر و دلهره ناشی از صدمات فیزیکی بالقوه را ملاک قرار بدهیم. افزون بر این، ترس از جرم مستلزم آن است که ترس فرد به گونه‌ای با جرائم در ارتباط باشد (همان).

مرتبط ساختن عنصر ترس با صدمات فیزیکی بالقوه دو نتیجه در پی خواهد داشت: نخست آنکه می‌بایست میان واکنش‌های ناشی از ضررهای مالی بالقوه و واکنش‌های ناشی از صدمات فیزیکی بالقوه تفاوت قائل شد. مورد نخست بیشتر منطقی و حساب‌شده است و از آن می‌توان تحت عنوان "نگرانی" یاد کرد؛ حال آنکه، واکنش‌های ناشی از صدمات فیزیکی بالقوه بیشتر احساسی و غیر منطقی است. چرا که، وضعیت روانی فردی که ساعت سه نیمه شب به یاد می‌آورد که دوچرخه معمولی خود را بدون قفل کردن بیرون خانه گذاشته، با وضعیت روحی فردی که در همان ساعت تک و تنها در میانه یک خیابان تاریک و خلوت گم شده، متفاوت خواهد بود.

البته مطلب فوق بدین معنی نیست که واکنش نسبت به ضررهای مالی بالقوه هیچگاه ترس محسوب نمی‌شود، اگر مال مورد نظر برای آن شخص ارزش بسیار زیاد و حیاتی داشته باشد، احتمال سرقت آن می‌تواند ترس را به دنبال داشته باشد. به عنوان نمونه احتمال سرقت کوبن‌های ارزاق برای یک خانواده فقیر بسیار ترسناک خواهد بود، حال آنکه چنین اتفاقی ذهن یک خانواده ثروتمند را به خود مشغول نخواهد ساخت. به هر حال در چنین حالت‌هایی ضررهای مالی بالقوه به نوعی منجر به صدمات فیزیکی می‌شود، و به همین سبب است که احساس ترس را به دنبال دارد.^۱ در اکثر جرایم مالی این احتمال برخورد با شخص بزهکار است که ترس می‌آفریند، نه صرف ضرر مالی، به عنوان نمونه ترس متعاقب سرقت‌های مسلحانه بسیار بیشتر از کیف‌قاپی است، و ترس از کیف‌قاپی بسیار فراتر از ترس از ضررهای مالی ناشی از اختکار کالا توسط یک فرد یا شرکت است. دلیل این امر آن است که در موارد نخست قربانی تصور می‌کند که علاوه بر مال، احتمال صدمه رسیدن به خود وی نیز وجود دارد.

مرتبط ساختن عنصر ترس با صدمات فیزیکی بالقوه نتیجه دیگری را نیز در پی خواهد داشت: با استفاده از این ارتباط می‌توان ترس از جرم و ترس از وقایعی که صدمات فیزیکی را به دنبال داشته، ولی هنوز جرم‌انگاری نشده‌اند، را با هم مقایسه کرد (به عنوان نمونه می‌توان به تصادفات رانندگی، آلودگی هوا و مصرف گونه‌های جدید مواد مخدر اشاره کرد). بنا به یافته‌های سیلبرمان حتی در مواردی که آسیب افعال غیر مجرمانه بیشتر از افعال مجرمانه است، ترس مردم از جرائم بیشتر است (Silberman, 1978).

ترس از جرم معادل تصور بزه‌دیدگی و نه ترس ناشی از بزه‌دیدگی واقعی در نظر گرفته می‌شود. با توجه به موارد فوق، ترس از جرم به شرح ذیل تعریف شده است: "ترس از جرم واکنشی احساسی است که با دو ویژگی احساس خطر و دلهره نمود می‌یابد و ناشی از ترس از صدمات فیزیکی است، این احساس برخاسته از نشانه‌های جرم محوری است که به تصور فرد در محیط پیرامونی وی وجود دارد (Church Council, 1995, p.7).

^۱ برخی از اموال به دلیل ارزش نمادینی که برای انسان دارند، از ارزش زیادی برخوردارند، سرقت اینگونه اشیاء نظیر حلقه نامزدی، به نوعی تجاوز به تمامیت فیزیکی فرد محسوب می‌شود.

۲/۲) آمار ترس از جرم

تحقیق آماری جامعی در خصوص میزان ترس از جرم در جامعه ایران به چشم نمی‌خورد، به هر حال در برخی پژوهش‌ها به میزان ترس از جرم در میان گروه‌های خاصی از افراد، نظیر زنان شهری پرداخته شده است.^۱ در این میان جای یک تحقیق میدانی کامل و علمی در خصوص میزان واقعی ترس از جرم در میان مردم ایران کاملاً به چشم می‌خورد.

از سوی دیگر همانگونه که ذکر شد از چندین دهه پیش تحقیق‌های زیادی در کشورهای نوعاً توسعه یافته در خصوص ترس از جرم و عوامل دخیل در آن به انجام رسیده است. گرچه، یافته‌های یک پژوهش غربی قابل تعمیم به جامعه شرقی ایران نیست، برای آشنایی محققان و خوانندگان با یافته‌های این تحقیقات نمونه‌هایی از دستاوردهای اینگونه پژوهش‌ها قید می‌شود.

بنا به یک پژوهش نسبتاً جامع در کانادا در سال ۱۹۹۳ بخش قابل توجهی از مردم کانادا احساس ترس از جرم را تجربه کرده‌اند. با اینکه اکثریت مردم کانادا اعلام کرده‌اند که هنگام راه رفتن در خیابان بعد از تاریکی "کاملاً" و یا "تا حدودی" احساس امنیت می‌کنند، درصد بسیار بالایی نیز نظر مخالف داشته‌اند. از هر ۴ کانادایی یک نفر اعلام داشته که از راه رفتن در خیابان در طول شب احساس ترس می‌کند. در میان ۲۵ درصدی که ترس از جرم را تجربه می‌کنند، میزان زنان چهار برابر مردان گزارش شده است. همچنین میزان ترس از جرم در میان افراد بالای ۶۵ سال دو برابر این میزان در میان افراد ۱۵ تا ۲۴ سال بوده است (Canadian Centre for Justice, Statistics (CCJS), March 1995, p. 1). تحقیق انجام شده در انگلستان نیز یافته‌های فوق را تأیید می‌کند، به موجب پژوهش بروچ و کاراچ زنان انگلستانی شش برابر مردان هنگامی که به تنهایی در طول شب پیاده روی می‌کنند، احساس ترس می‌کنند (Borooah and Carcach, 1997, p.645).

بنا به یک تحقیق میزان ترس از جرم در سال‌های آغازین هزاره سوم از میزان مشابه در اوائل دهه نود اندکی بیشتر شده است. در سال ۱۹۹۷ در کانادا، ۲۳ درصد مردم اعلام کرده‌اند که هیچگونه ترسی ندارند، ۵۶ درصد اندکی ترس، ۱۶ درصد زیاد و ۵ درصد بسیار زیاد ترس داشته‌اند (The Angus Reid Report, 1997, p 52). از سوی دیگر در سال ۱۹۹۰، ۲۷ درصد مردم اعلام کرده‌اند که هیچگونه ترسی ندارند، ۵۳ درصد اندکی ترس، ۱۳ درصد زیاد و ۶ درصد بسیار زیاد ترس داشته‌اند (p. 52). نکته جاب توجه اینست که علیرغم افزایش میزان ترس از جرم در میان مردم کانادا آمار جرایم روندی نزولی داشته است. در خلال سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۶ آمار جرایم در کانادا کاهش یافته و به ۹۶۲۰ فقره بزه اعلامی به ازای هر صد هزار نفر رسیده است، میزانی که تقریباً معادل آمار جرایم در سال ۱۹۸۶ است (CCJS, July 1997, p. 15). با توجه به موارد فوق روشن است که رشد ترس از جرم مسیری ناهمگون با میزان رشد واقعی جرایم را پیموده است؛ و همین نکته ما را بر این وامی‌دارد که ریشه ترس از جرم را نه در میزان واقعی جرایم ارتكابی بلکه در سایر عوامل نظیر رسانه‌های گروهی جستجو کنیم.

بررسی میزان ترس از جرم در کشورهای دیگر نیز مبین چنین ناهمخوانی است. به عنوان نمونه به موجب یک پژوهش انجام گرفته در سال ۱۹۸۹ تنها ۳ درصد از آمریکای‌ها جرم وخشونت را یکی از مشکلات اصلی کشور قلمداد کرده‌اند. این میزان در دهه ۹۰ به ۲۷ درصد افزایش می‌یابد و با کاهشی دوباره در سالهای آغازین هزاره جدید به ۷ درصد می‌رسد (Valerie J. Callanan, p.3). علی‌رغم این

^۱ به عنوان نمونه ر.ک به: فردین علیخواه و مریم نجیبی ربیعی، *زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری*، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲، ۱۳۸۵.

تغییرات فاحش، آمار جرایم در آمریکا مطابق این الگو تغییر نیافته است. بنابراین در اینجا هم شاهد هستیم که ترس از جرم راه خود را می‌پیماید و از میزان واقعی جرایم تبعیت نمی‌کند. همین مسئله قانونگذاران را بر آن وامی‌دارد تا با تبعیت از افکار عمومی روش‌های کیفی سخت و شدید را مورد استفاده قرار دهد، به گونه‌ای که در سال ۱۹۹۴ تنها در ایالت کالیفرنیا بیش از ۱۰۰ قانون و مصوبه در خصوص کنترل و برخورد با جرایم به تصویب می‌رسد. علت اتخاذ سیاست‌های کیفی نظیر تشدید مجازات تکرار جرم در بار سوم^۱ و سیاست تحمل صفر و پنجره‌های شکسته را نیز می‌توان در افزایش ترس از جرم در میان عموم مردم جستجو کرد.

۳/۲) ایرادات وارد بر پژوهش‌های ترس از جرم

مهم‌ترین دلیل مطرح شدن مفهوم ترس از جرم در محافل دانشگاهی و سیاستگذاری را می‌توان در فاصله میان میزان خطر بزه‌دیدگی به لحاظ آماری از یک سو، و درک مردم از میزان جرایم از سوی دیگر جستجو کرد. آمارهای رسمی مبین آن است که میزان مشخصی از جرایم در جامعه وجود دارد، ولی به موجب اکثر تحقیق‌های انجام شده در این زمینه ترس مردم از جرم هیچ‌گونه سختی با میزان واقعی جرایم ندارد. به برخی از نمونه‌های این عدم سختی در بالا اشاره شد. به صورت کلی مردم در اکثر جوامع بر این باورند که میزان جرائم در محل زندگی ایشان بیش از سایر مکان‌ها است (O' Malley, 1991; Queensland Criminal Justice Commission, 1994)؛ یا تصور می‌کنند که آمار جرایم نسبت به گذشته افزایش یافته، حال آنکه آمارهای رسمی چنین نمی‌گوید (Ibid). همچنان که در فوق اشاره شد، بررسی‌ها نشان می‌دهد که کهنسالان و زنان به نسبت جوانان و مردان ترس بیشتری را تجربه می‌کنند، در حالیکه به موجب آمارهای رسمی میزان خطر بزه‌دیدگی ایشان کمتر است. مثال دیگر ترس والدین از خطر دزدیده شدن و یا آسیب دیدن کودکان دختر و یا کم سن و سال خود است، اما آمارها حکایت از آن دارد که کودکان پسر بزرگتر، در معرض خطر بیشتری هستند (de Vaus & Wise, 1996). این ناهخوانی معمولاً نشانه اطلاعات نادرست مردم و یا غیرمنطقی بودن ایشان دانسته می‌شود. تصور بر این است که مردم و بخصوص زنان، کهنسالان و والدین خود را در دام ترسی واهی و گاه غیرمنطقی از جرم گرفتار کرده‌اند. از همین رو، بیشتر محققین به دنبال تبیین این پدیده و پیدا کردن راه‌حل‌هایی برای حل این معضل بوده‌اند.

از سوی دیگر، برخی از پژوهشگران این پیش فرض‌ها را نپذیرفته و بدین ترتیب رویکردهای متفاوتی نسبت به ترس از جرم اتخاذ کرده‌اند. وجه مشترک این رویکردها یکی نپذیرفتن پیش فرض‌های فوق است و دیگری تمرکز بر ایرادات فنی و روش‌شناختی تحقیق‌های انجام شده در این حوزه. در ذیل به برخی از این رویکردها به صورت خلاصه اشاره می‌شود.

الف) صحت آمارهای رسمی در خصوص میزان جرایم و بزه‌دیدگی زیر سوال برده می‌شود. به عنوان نمونه ایرادات وارد بر آمار جنایی از منظر آمار سیاه جرایم و همچنین عدم بیان واقع از سوی مردم در پیمایش‌های بزه‌دیده شناسی مورد تأکید قرار می‌گیرد. در این رویکرد چنین استدلال می‌شود که ترس بالای زنان از جرم، در واقع بیانگر خشونت‌هایی است که زنان را تهدید می‌کند، حال آنکه این موارد در تحقیق‌های سنتی منعکس نمی‌شود.

ب) عوامل ایجاد ترس از جرم فراوان است و میزان جرایم تنها یکی از این عوامل به شمار می‌رود. عوامل دیگری نظیر تصور افراد از محیط پیرامون خود و تجارب مستقیم و غیر مستقیم بزه‌دیدگی در ایجاد ترس از جرم نقش ایفا می‌کنند. با توجه به این نکته مقایسه

^۱ به موجب این رویه چنانچه فردی سابقه دو مرتبه محکومیت قطعی به ارتکاب جرایم شدید داشته باشد برای بار سوم مرتکب هر نوع جنایت شود، به ۲۵ سال حبس الزامی محکوم می‌شود.

میزان ترس از جرم با آمار جرایم نادرست است، چرا که حوزه این دو با یکدیگر متفاوت بوده و مقایسه آنها قیاس مع الفارق محسوب می‌شود.

۳) عوامل موثر در ایجاد ترس از جرم

وجه مشترک اکثر تحقیق‌های انجام گرفته در حوزه ترس از جرم نشانگر آن است که میزان ترس از جرم در افراد ارتباط مستقیمی با احتمال بزه‌دیدگی ایشان ندارد. در این میان عوامل دیگری وجود دارد که احتمال ایجاد ترس از جرم را در افراد بالا می‌برد. در ذیل به بررسی مختصر این عوامل می‌پردازیم.

۱/۳) جنسیت

جنسیت فرد یکی از مهم‌ترین عوامل شناخته شده در ایجاد ترس از جرم است. تحقیقات فراوان صورت گرفته نشان می‌دهد که زنان در مقایسه با مردان ترس بسیار بیشتری از جرم را تجربه می‌کنند، ولی میزان بزه‌دیدگی واقعی ایشان از مردان پائین‌تر است. ترس زنان بیشتر از آسیب‌پذیری ایشان در برابر تعرضات جنسی ناشی می‌شود: احتمال تعرض جنسی به زنان ده برابر احتمال تعرض جنسی به مردان است (Crowell & Burgess, 1996). ترس از تعرضات جنسی و تجاوز به عنف راه را برای ترس از سایر جرایم هموار می‌کند (Ferraro, 1996). زنان به ناگاه متوجه وجود این ترس در وجود خود نمی‌شوند، این ترس مادرزادی هم نیست، بلکه زنان در فرایند جامعه‌پذیری خویش این ترس را فرا می‌گیرند. زنان می‌آموزند که اگر شب تنها از خانه خارج شوند، احتمال حمله به آنها وجود دارد. والدین، دوستان و رسانه‌های گروهی همه و همه در خدمت تقویت و نهادینه ساختن این ترس هستند.

توضیحات دیگری نیز در خصوص علت ترس بیشتر زنان بیان شده است. از جمله این موارد می‌توان تیتروار به موارد ذیل اشاره کرد: غیر منطقی بودن، فرا نگرفتن مهارت‌های لازم جهت دفاع در مقابل بزه‌دیدگی، نگرانی برای فرزندان و کنترل کمتر اماکن عمومی و خصوصی در مقایسه با مردان (Gilchrist, et al., 1998). به هر روی نمی‌توان دلیل واحدی برای ترس بیشتر زنان از جرم یافت؛ احتمالاً دلایل مختلفی دست به دست هم می‌دهد و ترس بیشتر زنان از جرم را سبب می‌شوند.

بنا به یک پژوهش انجام گرفته در خصوص "زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری" حدود ۸۰ درصد زنان ایرانی در فضاهای عمومی ترس از جرم را تجربه کرده‌اند (فردین علیخواه و مریم نجیبی ربیعی، ۱۳۸۵). این تحقیق از ضعف روش‌شناختی مصون نمانده و به عنوان نمونه گروه شاهد از میان زنان غیر شهری (حتی زنان شهری غیر شهر تهران) و مردان در نظر گرفته نشده است. با این وجود یافته‌های این تحقیق می‌تواند میزان احتمالی ترس از جرم را در میان زنان ایرانی - خصوصاً در شهر بزرگی چون تهران - نشان دهد. یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که حدود ۴۸ درصد زنان در حد زیاد، ۳۳ درصد در حد متوسط و ۱۹ درصد در حد کم در فضاهای شهری دچار ترس و واکنش نسبت به تهدید جرائم اند. به بیان دیگر حدود نیمی از زنان به هنگام تردد در شهر احساس امنیت نمی‌کنند. در بین زنان تحصیل کرده و دارای درآمد بالا، زنانی که در محله آن‌ها ساختمان‌ها و زمین‌های متروکه کمتر بوده و زنانی که از فعالیت‌های پلیس رضایت بیشتری داشته‌اند میزان ترس از جرم کم‌تر بوده است (همان).

سن فرد نیز یکی از مهم‌ترین عوامل پیشبینی ترس از جرم است، به هر حال، بر خلاف جنسیت عامل سن، در جرائم مختلف به گونه‌های مختلف عمل می‌کند. معمولاً فرض بر این است که کهنسالان بیش از سایرین می‌ترسند، و اتفاقاً این امر در مورد جرایمی چون ضرب و جرح و سرقت از منازل کاملاً صادق است. از سوی دیگر، تحقیقات نشان می‌دهد که جوان‌ها از جرایمی چون تجاوز به عنف، تعرضات جنسی و زورگیری بیشتر می‌ترسند (Evans, 1995). علت ترس بیشتر کهنسالان در اکثر جرایم را می‌توان در ضعف و آسیب‌پذیری ایشان جستجو کرد. آسیب‌پذیری بیشتر کهنسالان نیز به نوبه خود از ضعف فیزیکی و محدودیت‌های اجتماعی کهنسالان نشأت می‌گیرد، که سبب می‌شود نتوانند از خود به خوبی دفاع کنند و یا محتاج کمک و یاری دیگران باشند.

مقایسه آماری ترس از جرم در میان افراد سنین مختلف می‌تواند راهگشا باشد: بنا به پژوهش‌های انجام گرفته ۱۸ درصد افراد ۱۸ تا ۳۴ سال، ۲۱ درصد افراد ۳۵ تا ۵۴ سال و ۲۶ درصد افراد بالای ۵۵ سال ترس شدید از جرم را تجربه کرده‌اند (Angus Reid, 1997, p. 51). جالب آن است که بنا به آمارهای رسمی کانادا میزان بزه‌دیدگی واقعی افراد بالای ۶۵ سال بسیار بسیار پائین است (CCJS, December 1994). کهنسالان سیل اصلی بسیاری از جرایم نیستند، ولی اینجا نیز بار دیگر شاهد آن هستیم که میزان ترس از جرم از احتمال واقعی بزه‌دیدگی فزونی می‌گیرد.

۳/۳ جغرافیا

میزان ترس از جرم به محل زندگی افراد هم وابسته است. توضیح اینکه تحقیقات نشان می‌دهد، به دلیل بالا بودن میزان جرایم در شهرها میزان ترس از جرم در مناطق شهری بیشتر از مناطق روستایی است. به موجب آمار رسمی کانادا در سال ۱۹۹۳ میزان بزه‌دیدگی افراد در مناطق شهری ۲۲۲ مورد در هر هزار نفر بوده است، این میزان در مناطق روستایی تنها ۱۳۳ مورد گزارش شده است (CCJS, 1996, p. 175). این تمایز در بین شهرهای بزرگ و کوچک نیز دیده می‌شود: ۶۰ درصد شهروندان در شهرهای بزرگ اعلام کرده‌اند که از پیاده‌روی تنها در شب می‌ترسند، حال آنکه این میزان در شهرهای کوچک تنها ۳۰ درصد است (Horton, 1988, p. 26).

۴/۳ قومیت و فرهنگ

پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که میزان ترس از جرم بسته به پیشینه قومی افراد متفاوت است. در حالی که به موجب اکثر تحقیقات انجام شده در کشورهای غربی سفیدپوستان کمترین میزان ترس از جرم را داشته‌اند، در خصوص گروهی که بیشترین میزان ترس از جرم را تجربه می‌کنند اتفاق نظر وجود ندارد. به موجب یک پژوهش انجام شده در انگلستان گروه‌های آسیایی بیشترین میزان ترس از جرایم خشونت‌بار و تجاوز به عنف را داشته، و سیاهپوستان و سفیدپوستان به ترتیب رده‌های بعدی را به خود اختصاص داده بودند. به موجب این پژوهش سیاهپوستان بیشترین میزان ترس از سرقت ماشین را داشته‌اند و بعد از آنها گروه‌های آسیایی و سفیدپوستان قرار داشته‌اند. در خصوص احساس ساده‌ناامنی باز هم گروه‌های آسیایی در صدر قرار گرفته‌اند، اما در این خصوص میزان ترس سفیدپوستان اندکی بیشتر از سیاهپوستان بوده است (Hough, 1995).

به موجب یک پژوهش دیگر نیز گروه‌های آسیایی بیشترین میزان ترس از جرم را داشته‌اند، (Walker, 1994) اما برخی دیگر از پژوهش‌ها سیاهپوستان را دارای بالاترین میزان ترس از جرم معرفی کرده‌اند (Evans, 1995 ; Silverman & Kennedy, 1983). بنابراین، هرچند تحقیق‌ها در خصوص گروهی که بیشترین میزان ترس از جرم را تجربه می‌کنند به یک نتیجه واحد نرسیده‌اند،

به موجب اکثر پژوهش‌ها سفیدپوستان کمتر از سایر گروه‌ها ترس از جرم دارند. به دیگر سخن از مجموع پژوهش‌های انجام شده می‌توان به این نتیجه رسید که در جوامع غربی، اقلیت‌های قومی بیش از سایرین ترس از جرم دارند.

۵/۳ رسانه‌های گروهی

مردم اطلاعات خود را از مبادی گوناگونی کسب می‌کنند، ولی رسانه‌های گروهی یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین منابع کسب اخبار و اطلاعات به شمار می‌رود. تحقیق‌های بسیار زیادی در خصوص نقش رسانه‌های گروهی در تغییر و یا اثرگذاری بر عادات رفتاری و طرز تفکر مردم انجام شده است، هر چند این تحقیقات هیچگاه از گزند ایرادات روش‌شناختی، چه از منظر تحلیل محتوای رسانه‌های گروهی و چه از منظر در نظر نگرفتن سایر عوامل مؤثر در امان نبوده است.

رسانه‌های گروهی در گذشته چندان علاقه‌ای به اخبار جنایی نشان نمی‌دادند. بنا به یک پژوهش انجام شده در خصوص مطبوعات قبل از جنگ جهانی اول، اخبار حوادث تنها ۶ درصد حجم کلی مطالب روزنامه‌ها بوده‌اند (cited in MacLatchie, 1987, p. 57). به هر حال، در سال‌های اخیر علاقه رسانه‌های گروهی به اخبار جنایی به شدت افزایش داشته است. بررسی اخبار حوادث یکی از روزنامه‌های کانادا مبین آن است که انعکاس اخبار حوادث در خلال سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۸ ۳۷ درصد رشد داشته است (ibid). در بررسی مطالب ۸۰۰ روزنامه و مجله در کانادا بیش از نیمی از ماجراها به جرایم خشونت بار اختصاص داشته است. در این میان قتل به تنهایی موضوع ۵۰ درصد اخبار جرایم خشونت بار بوده است. انعکاس اخبار جنایی هیچ تناسبی با میزان واقعی جرایم و به خصوص جرایم خشونت بار ندارد؛ در مدت انجام تحقیق فوق تنها ۱۱ درصد جرایم ارتكابی در کانادا خشونت بار بوده‌اند، و از این میزان قتل تنها ۱ درصد کل جرایم بوده است؛ حال آنکه در انعکاس رسانه‌ای این نسبت رعایت نشده و همانگونه که بیان شد، ۲۵ درصد اخبار حوادث به بازنمایی اخبار قتل‌ها اختصاص داشته است (Bonta & Hanson, 1994, p. 28).

در بادی نظر چنین به نظر می‌رسد که بازنمایی اخبار جنایی در رسانه‌های گروهی تأثیر زیادی در ایجاد ترس از جرم داشته باشد. گرچه برخی از تحقیقات انجام شده در این حوزه مبین وجود ارتباط میان ترس از جرم و خواندن صفحه حوادث روزنامه‌ها هستند، ولی با توجه به تعدد عوامل دخیل در ایجاد ترس از جرم، از جمله سن، جنسیت و نژاد و فقدان گروه‌های کنترل مؤثر در تحقیق‌های انجام شده نمی‌توان به قطع از تأثیر رسانه‌های گروهی بر ترس از جرم سخن به میان آورد.

به هر حال، برخی از پژوهش‌های انجام شده مبین رابطه زیاد میان خواندن صفحه حوادث روزنامه (به خصوص روزنامه‌هایی که جرایم خشونت‌بار را بیشتر منعکس می‌کنند) و ترس از جرم است (Williams and Dickinson, 1993). نتیجه این پژوهش با در نظر گرفتن متغیرهای دیگری نظیر سن و جنسیت همچنان معتبر مانده است؛ هر چند در این تحقیق نیز رابطه معناداری میان مطالعه اینگونه مطالب و ترس عملی از جرم (به عنوان نمونه عدم پیاده‌روی در شب) یافت نشده است.

۶/۳ سایر متغیرها

تأثیر برخی دیگر از متغیرها در ایجاد ترس از جرم در چندین تحقیق مورد ارزیابی قرار گرفته است. این متغیرها به اهمیت موارد ذکر شده در فوق نیستند، ولی به عنوان نمونه می‌توان به عواملی چون فقر مالی (Evans, 1995; Silverman & Kennedy, 1983) و تحصیلات پایین (Evans, 1995) اشاره کرد.

به هر حال، چکیده و دستاورد اکثر تحقیق‌های صورت گرفته در این حوزه مبین آن است که زنان و سالمندان بیشترین میزان ترس از جرم را تجربه می‌کنند و البته این ترس ایشان هیچ ارتباط منطقی با میزان و احتمال بزه‌دیدگی ایشان ندارد.

۴) تأثیر تجارب قبلی بزه‌دیدگی بر ترس از جرم

پدیده مجرمانه بر کل جامعه تأثیر می‌گذارد و این تأثیر به ناگذیر کیفیت زندگی در جامعه را به چالش خواهد کشید. ترس از جرم لااقل از سه رویکرد مورد توجه پژوهشگران بوده است: نگرانی جامعه، تصور ناامنی و بزه‌دیدگی غیر مستقیم (Taylor & Hale, 1986). به موجب رویکرد مبتنی بر نگرانی جامعه، ترس از جرم برخاسته از احساس نگرانی مردم از مشکلات و مسائل اجتماعی نظیر جرایم، شرایط محیطی و اوضاع اقتصادی است. رویکرد تصور ناامنی به این نکته اشاره دارد که شرایط بد زندگی طبقه پائین اجتماع و شیوع خشونت‌های فیزیکی و اجتماعی در این طبقه سبب می‌شود تا مردم مشکلات محلی را شدیدتر از آنچه هست بپندارند. به موجب رویکرد بزه‌دیدگی غیر مستقیم افراد ضعیف و ناتوان بیشتر در معرض بزه‌دیدگی قرار دارند و ایشان تجارب خود را از طریق شبکه‌های اجتماعی محلی به هم-نوعان خود منتقل می‌نمایند. در نتیجه افراد دارای ارتباطات محلی و بزه‌دیدگان جرایم بیش از سایرین ترس از جرم را تجربه می‌کنند.

رابطه بزه‌دیدگی مکرر و ترس از جرم از پیچیدگی زیادی برخوردار است و مطالعه منابع موجود در این زمینه ما را به نتیجه واحدی رهنمون نمی‌سازد. به موجب برخی پژوهش‌ها تفاوتی میان افراد دارای سابقه بزه‌دیدگی و افراد فاقد سابقه بزه‌دیدگی در میزان ترس از جرم وجود ندارد، ولی یافته‌های برخی دیگر از محققین مؤید وجود تفاوت میزان ترس از جرم در میان این دو گروه است. به موجب یک پژوهش انجام گرفته در میان دانش‌آموزان دبیرستانی، افراد دارای سابقه بزه‌دیدگی به نسبت افراد فاقد سابقه بزه‌دیدگی ترس کمتری از جرایم علیه اشخاص و ترس بیشتری از جرایم علیه اموال داشته‌اند (Dull and Wint, 1997). به موجب یک پژوهش دیگر ۱۹ درصد افراد فاقد سابقه بزه‌دیدگی بسیار زیاد ترس از جرم داشته‌اند، حال آنکه این میزان در خصوص افراد دارای سابقه بزه‌دیدگی به ۳۰ درصد می‌رسد (The Angus Reid Report, 1997, p. 54).

البته نتیجه اکثر تحقیقات مبین آن است که برخی از جرایم ترس بیشتری را در دل بزه‌دیدگان ایجاد می‌کند. به عنوان نمونه، بزه‌دیدگان سرقت‌های مسلحانه و سرقت‌های مقرون به آزار ترس بسیار بالایی از بزه‌دیدگی مجدد دارند. علت این امر را می‌توان در توأم بودن سرقت‌های مسلحانه و سرقت‌های مقرون به آزار با ارتکاب توسط افراد غریبه، استفاده از سلاح، ضرب و جرح و از دست دادن اموال جستجو کرد (Skogan & Klecka, 1997). برخی تحقیق‌ها نشان می‌دهد، بزه‌دیدگان بزه ورود غیر مجاز به منزل، به دلیل بر هم خوردن خلوت و از دست دادن اموال ترس بسیار بالایی از بزه‌دیدگی مجدد دارند. بررسی آمار کسانی که بیشتر از همه از پیاده‌روی تنها در شب می‌ترسند، نشان می‌دهد که افراد دارای سوابق قبلی بزه‌دیدگی در رأس این افراد قرار دارند. بزه‌دیدگان جرایم ذیل به ترتیب بیشترین میزان ترس از جرم را تجربه می‌کنند: جرایم جنسی، ورود غیر مجاز به منزل، ضرب و جرح، خرابکاری، سرقت خودرو، سرقت از خانه و کیف قاپی (CCJS, March 1995). بنابراین سوابق قبلی بزه‌دیدگی بسته به نوع جرم بر ترس از جرم اثر می‌گذارد. بنا به یک تحقیق دیگر در مواردی که بزه‌کار در زمان حضور بزه‌دیده وارد منزل وی شده، میزان ترس از جرم بسیار بالا گزارش شده است (Spratt & Doob, 1997, p. 286). پژوهش فوق نشان می‌دهد که با افزایش میزان ترس از جرم میزان کیفرخواهی افراد (اعم از بزه‌دیدگان و غیر بزه‌دیدگان افزایش می‌یابد). همچنین در این حالت نگرش افراد نسبت به پلیس و سیستم قضایی نیز منفی می‌شود (p.288).

بین شد که به موجب رویکرد بزه‌دیدگی غیر مستقیم افراد ضعیف و ناتوان بیشتر در معرض بزه‌دیدگی قرار دارند و ایشان تجارب خود را از طریق شبکه‌های اجتماعی محلی به هم‌نوعان خود منتقل می‌نمایند. در نتیجه افراد دارای ارتباطات محلی و بزه‌دیدگان جرایم بیش از سایرین ترس از جرم را تجربه می‌کنند. به موجب دو پژوهش صورت گرفته در این زمینه (Lewis and Salem 1986), (Hale 1996) رویکرد بزه‌دیده‌مدار به ترس از جرم هنوز به اثبات نرسیده است. محققین یکی از علل این امر را همانند بودن مولفه‌های این دو موضوع می‌دانند. به دیگر سخن ترس از جرم و بزه‌دیدگی هر دو با کمک مولفه‌هایی نظیر جنسیت، سن و سایر موارد تعیین می‌شود. با توجه به موارد فوق نمی‌توان به لحاظ علمی رابطه میان سوابق قبلی بزه‌دیدگی و ترس از جرم را ثابت کرد. با توجه با این نکته در اکثر تحقیق‌های انجام گرفته در خصوص ترس از جرم، رابطه ترس از جرم با سوابق قبلی بزه‌دیدگی ضعیف دانسته می‌شود. به هر حال برخی از پژوهشگران معتقدند سوابق قبلی بزه‌دیدگی (چه بصورت بزه‌دیدگی مستقیم و چه بصورت بزه‌دیدگی غیر مستقیم) بر ایجاد ترس از جرم تاثیر می‌گذارد (Ranzijn, Howells & Wagstaff 2002). برخی پا را از این فراتر گذاشته و معتقدند بیش‌ترین میزان ترس از جرم را کسانی تجربه می‌کنند که قبلاً به نوعی بزه‌دیده جرمی بوده‌اند (Grabosky 1995). به هر حال همانگونه که گفته شد، اکثریت پژوهشگران مدعی عدم اثبات رابطه معنادار میان این دو امر هستند.

برای درک بهتر موضوع و با توجه به موضوع این مقاله، خلاصه یکی از کارهای پژوهشی انجام گرفته در این زمینه در ذیل می‌آید. در این پژوهش (Borooah and Carcach 1997) ارتباط متغیرهای مختلف با ترس از جرم مورد توجه بوده است. یافته‌های این تحقیق موید نظریه هال است که رابطه بزه‌دیدگی قبلی با ترس از جرم ضعیف است. النهایه به موجب یافته‌های این پژوهش رابطه میان این دو متغیر در جرایم علیه اشخاص ضعیفتر از جرایم علیه اموال بوده است.

چکیده یافته‌ها در جرایم علیه اشخاص

- تجارب قبلی بزه‌دیدگی در زنان ترس بیشتری را در مقایسه با مردان ایجاد می‌کند.
- در صورت بروز بزه‌دیدگی، جوانان بیشتر از کهنسالان ترس از جرم را تجربه می‌کنند.
- سوابق قبلی بزه‌دیدگی در افرادی که در منازل اجاره‌ای دولتی زندگی کرده و یا محل سکونت خود را جرم‌خیز می‌دانند، بیشتر ایجاد ترس می‌کند.
- زندگی در یک محله ثروتمند، و دارای شرایط مناسب اجتماعی و پیوستگی اجتماعی بالا، از تاثیرات بعدی بزه‌دیدگی می‌کاهد.

چکیده یافته‌ها در جرایم خانگی^۱

- در صورت وجود سوابق قبلی بزه‌دیدگی جوانان صاحب خانه، بیش از سالمندان دارای خانه ترس از جرم خواهند داشت.
- در میان افرادی که در منازل اجاره‌ای زندگی می‌کنند، بزه‌دیدگی مکرر در افرادی که در مناطق پرخشونت زندگی می‌کنند، ترس از جرم بیشتری ایجاد می‌کند. بنابراین، مستاجرینی که در مناطق برخوردار و مرفه زندگی می‌کنند، در مقایسه وضعیت بهتری دارند.

^۱ منظور از جرایم خانگی، جرایمی است که در حیطه منازل ارتکاب می‌یابد؛ نظیر سرقت از منازل، ورود غیر مجاز به منزل دیگری به قصد ارتکاب جرم (برگری) و یا شروع به این جرایم.

- افرادی که در خانه به صورت مجردی و تنها زندگی کرده و به کار یا تحصیل تمام وقت مشغول هستند، بیش از افرادی که با دیگران در یک خانه زندگی می‌کنند، ترس از جرم را تجربه می‌کنند.
- سوابق قبلی بزه‌دیدگی در افرادی که در منازل اجاره‌ای دولتی زندگی کرده و یا محل سکونت خود را جرم‌خیز می‌دانند، بیشتر ایجاد ترس می‌کند.

رابطه میان بزه‌دیدگی جرایم خشونت بار و ترس از جرایم علیه اشخاص با کمک فاکتورهایی نظیر سن و شرایط شغلی تعیین می‌شود، حال آنکه این فاکتورها به نوبه خود با بزه‌دیدگی اولیه و تکرار بزه‌دیدگی مرتبط دانسته می‌شود. بنابراین، بررسی احتمال تاثیر تکرار بزه‌دیدگی بر ترس از جرم، بجا و مناسب خواهد بود.

به موجب تحقیق وار (Warr, 1987) میزان ترس از جرمی که فرد تجربه می‌کند ترکیبی از دو عامل درک فرد از شدت جرم و تصور وی در خصوص احتمال بزه‌دیدگی خویش است. در این پژوهش بسیاری از پژوهش‌های دیگر ترس از جرایم علیه اشخاص با کمک پاسخ افراد به این پرسش ارزیابی می‌شود که از راه رفتن تنها در طول شب احساس ترس می‌کنند یا خیر. ایرادات وارد بر این نوع پرسش و یافته‌های حاصل از این گونه پرسش‌ها در قبل بیان شد و از تکرار آنها در اینجا پرهیز می‌شود. به هر حال در نبود تحقیق دیگر در این زمینه، چاره‌ای جز اشاره به یافته‌های اینگونه تحقیقات وجود نخواهد داشت. در این پژوهش پاسخ افراد به پرسش فوق در ۴ گزینه "کاملاً امن، امن، نامن و کاملاً نامن" ارزیابی شده است. افرادی که در پاسخ به سوال عنوان نموده‌اند که هنگام راه رفتن تنها در طول شب (کاملاً) احساس امنیت می‌کنند، در زمره کسانی شمرده شده‌اند که هراسی از جرایم علیه اشخاص ندارند. همچنین افرادی که در پاسخ اظهار ناامنی و یا کاملاً ناامنی کرده‌اند در زمره افراد دارای ترس از جرایم علیه اشخاص قرار گرفته‌اند. همانگونه که گفته شد این روش در بسیاری از تحقیق‌های انجام شده در خصوص ترس از جرم به کار گرفته شده است (Taylor & Hale 1986; Carcach et al. 1995).

از سوی دیگر ترس از جرایم خانگی با کمک پاسخ افراد به این پرسش که آیا از تنها ماندن در خانه در طول شب می‌ترسند یا خیر، ارزیابی می‌شود. پاسخ افراد بر اساس مدلی که در بالا توضیح داده شد ارزیابی می‌شود.

در این پژوهش برای پی بردن به تصور اشخاص در خصوص احتمال بزه‌دیدگی از ایشان پرسیده می‌شده که تا چه میزان احتمال می‌دهند در ۱۲ ماه آینده بزه‌دیده سرقت یا ورود غیر مجاز به منزل (برگری) واقع شوند. در ارزیابی پاسخ‌های داده شده، پاسخ‌های خیلی زیاد و زیاد بیانگر تصور احتمال بالای بزه‌دیدگی این جرایم دانسته شده است.

جدول ۱: تعداد بزه‌دیدگان جرایم خانگی و ارتباط میان ترس از جرایم خانگی، ترس از ورود غیر مجاز به منزل (برگری)، بزه‌دیدگی مکرر و بزه‌دیدگان غیر مکرر، کوئینزلند، استرالیا، ۱۹۹۱

تصور اینکه احتمال بزه‌دیدگی بزه ورود غیر مجاز به منزل (برگری) کم خواهد بود		تصور اینکه به احتمال زیاد در آینده نزدیک بزه‌دیده بزه ورود غیر مجاز به منزل (برگری) خواهد بود		
بزه‌دیدگان غیر مکرر	بزه‌دیدگان مکرر	بزه‌دیدگان غیر مکرر	بزه‌دیدگان مکرر	احساس ناامنی هنگام

تنها ماندن در طول شب	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
آری	۲۱۵۱	۲۶.۸	۵۵۱۵	۲۰.۵	۳۳۱	۳.۸	۱۵۶۴	۶.۲
خیر	۵۸۶۳	۷۳.۲	۲۱۳۶۲	۷۹.۵	۸۴۴۸	۹۶.۲	۲۳۷۹۴	۹۳.۸
مجموع	۸۰۱۵	۱۰۰	۲۶۸۷۷	۱۰۰	۸۷۸۰	۱۰۰	۲۵۳۵۸	۱۰۰

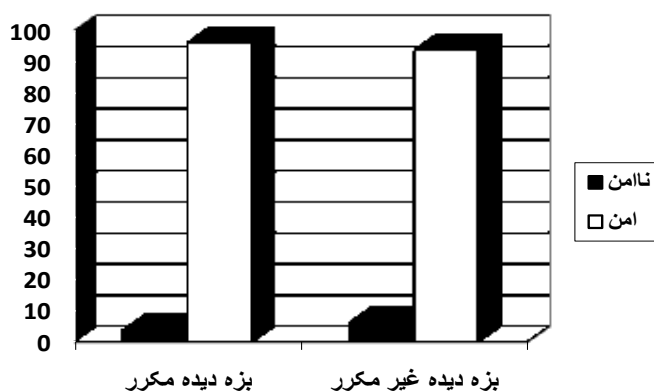
۱/۴) بزهدیدگی مکرر و ترس از جرایم خانگی

به موجب پژوهش انجام گرفته در کوئینزلند، ۶۶۰۲۹ نفر بزهدیده جرایم خانگی بوده‌اند. در این میان تعداد ۱۶۷۹۵ نفر معادل ۲۵.۴ درصد بزهدیدگی مکرر داشته‌اند. از میان بزهدیدگان بزه ورود غیر مجاز به منزل، کسانی که احتمال بزهدیدگی خود را در آینده نزدیک زیاد می‌دانند و کسانی که بزهدیدگی مکرر را تجربه کرده‌اند، ترس بیشتری از جرایم خانگی دارند. از سوی دیگر همانگونه که در قسمت دوم جدول شماره ۱ ملاحظه می‌شود، در میان افرادی که احتمال بزهدیدگی خود را در آینده نزدیک کم می‌دانند، تفاوت زیادی میان بزهدیدگان مکرر و سایر بزهدیدگان وجود نداشته و هر دو گروه ترس کمی از جرایم خانگی دارند. به هر حال، نکته جالب توجه آن است که در این گروه بزهدیدگان غیر مکرر در مقایسه با بزهدیدگان مکرر ترس بیشتری از جرایم خانگی داشته‌اند.

ترس از جرم در میان بزه-
دیدگان جرایم خانگی
(تصور اینکه به احتمال زیاد
بزه‌دیده برگری خواهد بود)



ترس از جرم در میان بزه-
دیدگان جرایم خانگی
(تصور اینکه احتمال بزه‌دیدگی
برگتری کم خواهد بود)



۲/۴) بزه‌دیدگی مکرر و ترس از جرایم علیه اشخاص

به موجب پژوهش انجام گرفته در کوئینزلند، ۱۸۱ نفر بزه‌دیده جرایم خشن بوده‌اند. در این میان ۷۰۵۵۸ نفر معادل ۳۸.۹ درصد بزه-دیدگی مکرر داشته‌اند. با توجه به آمار فوق، بزه‌دیدگان مکرری که فکر می‌کنند در آینده نزدیک قربانی یکی از جرایم خشن خواهند بود، کمتر از بزه‌دیدگان غیر مکرر از راه رفتن تنها در طول شب می‌ترسند.

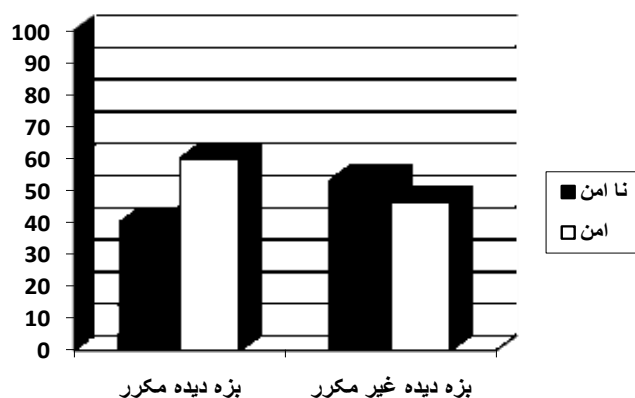
جدول شماره ۲: تعداد بزه‌دیدگان جرایم علیه اشخاص و ارتباط میان تصور بزه‌دیدگی جرایم خشن، ترس از جرایم خشن، بزه‌دیدگی مکرر و فقد سابقه بزه دیدگی، کوئینزلند، استرالیا، ۱۹۹۱

تصور اینکه احتمال بزه‌دیدگی جرایم خشن کم خواهد بود				تصور اینکه به احتمال زیاد بزه‌دیده جرایم خشن خواهد بود				احساس ناامنی هنگام راه رفتن تنها در طول شب
بزه‌دیدگان غیر مکرر		بزه‌دیدگان مکرر		بزه‌دیدگان غیر مکرر		بزه‌دیدگان مکرر		
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۲۴.۵	۱۷۴۶۰	۱۹.۸	۸۷۶۰	۵۳.۳	۲۰۹۷۸	۴۰	۱۰۴۸۸	آری
۷۵.۵	۵۳۷۷۱	۸۰.۲	۳۵۵۹۳	۴۶.۷	۱۸۴۰۸	۶۰	۱۵۷۱۶	خیر
۱۰۰	۷۱۲۳۱	۱۰۰	۴۴۳۵۴	۱۰۰	۳۹۳۸۷	۱۰۰	۲۶۲۰۴	مجموع

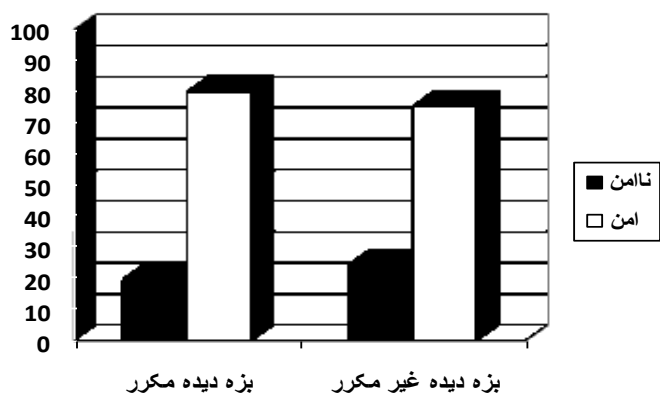
این امر موید سایر یافته‌های بزه‌دیده شناسی در کوئینزلند است. به عنوان نمونه به موجب آمارهای رسمی بخش زیادی از جرایم خشن در داخل خانه و توسط افرادی ارتکاب می‌یابد که با بزه‌دیده آشنایی دارند. با توجه به مطالب فوق طبیعی خواهد بود که بزه‌دیده مکرر جرایم خشن، خانه را محلی امن نداند و راه رفتن تنها در محله خود را امن تر قلمداد کند.

جداول زیر گویای آن است که کسانی که احتمال نمی‌دهند در آینده نزدیک بزه‌دیده جرایم خشن شوند، ترس کمی از جرایم خشن دارند. در این افراد متغیر بزه‌دیدگی مکرر نقش زیادی ندارد و هر دو گروه ترس نسبتاً یکسانی را تجربه می‌کنند.

ترس از جرم در میان بزه-
دیدگان جرایم خشن
تصور اینکه به احتمال زیاد بزه-
دیده جرایم خشن خواهد بود



ترس از جرم در میان بزه-
دیدگان جرایم خشن
تصور اینکه احتمال بزه‌دیدگی
جرایم خشن کم خواهد بود

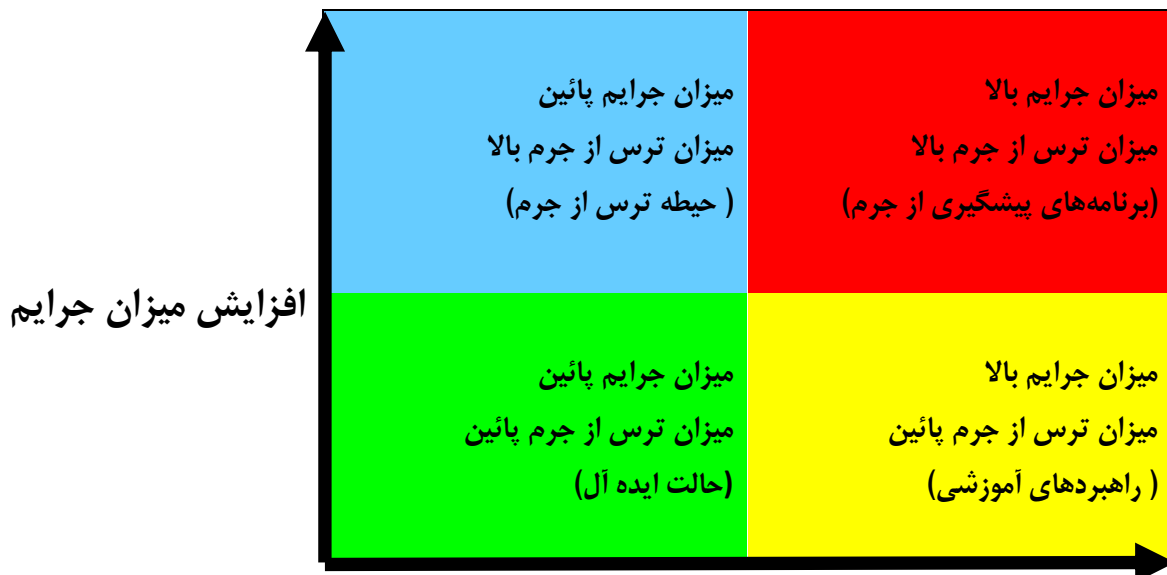


یافته‌های این تحقیق را می‌توان اینگونه جمع‌بندی کرد که بزه‌دیدگی مکرر تاثیر کمی بر ایجاد ترس از جرم باقی می‌گذارد. همانگونه که در قبل ذکر شد سایر پژوهش‌های انجام گرفته در این زمینه موید این مطلب و ارتباط ضعیف بزه‌دیدگی مکرر با ترس از جرم است.

۵) پاسخ‌ها به ترس از جرم

۱/۵) ماتریکس ترس از جرم

ماتریکس ترس از جرم یک الگوی شناخته شده جهانی برای طرح‌ریزی و اجرای برنامه‌های مقابله با ترس از جرم است. همانگونه که قبلاً سخن از آن رفت، ترس از جرم ماهیتی کاملاً متغیر دارد، به گونه‌ای که میزان ترس از جرم بسته به متغیرهایی نظیر مکان، زمان، سن، جنسیت و نژاد متفاوت است. با توجه به این مطلب نمی‌توان یک راهبرد واحد برای تمام مکان‌ها و زمان‌ها در خصوص مبارزه با ترس از جرم پیشنهاد کرد. در مقایسه دو متغیر ترس از جرم و میزان جرم چهار حالت منطقی امکان بروز دارد که برای هر یک از این حالت‌ها دستورالعمل خاصی پیشنهاد می‌شود.



افزایش میزان ترس از جرم

در ادامه توضیح مختصری در خصوص هر یک از این چهار گزینه می‌آید.

الف) برنامه‌های پیشگیری از جرم (حیطه میزان بالای جرایم و میزان بالای ترس از جرم)

در مناطقی که میزان جرایم بالا است، وجود ترس از جرم لاجرم پاسخی منطقی به وضع موجود خواهد بود. در چنین حالتی، نخستین گزینه پیش روی استفاده از یک برنامه پیشگیری از جرم مؤثر و کارآمد است. میزان بالای جرایم به نوبه خود باعث تقویت ترس از جرم می‌شود. به عنوان نمونه ترس از جرم سبب می‌شود تا ترس از اعلام جرم وجود داشته باشد و اعتماد به نفس برای مبارزه با جرم از بین رود. نکته‌ای که نباید از خاطر برد ضرورت استفاده از ظرفیتهای جامعه مدنی و پاسخ‌های جامعوی در پیشگیری از جرم است؛ چرا که تنها در این صورت است که مردم بخشی از راه حل موجود به حساب آمده و در بلند مدت توانایی مقابله با پدیده مجرمانه که در لایه‌های درونی جامعه رسوخ پیدا کرده برای مردم ممکن می‌شود.

به هر حال، نباید از خاطر برد که میزان جرایم ارتكابی تنها یکی از عوامل ایجاد ترس از جرم در میان مردم این مناطق است. به کار بردن راهبردهایی نظیر تقویت نظارت‌های محلی، بهبود کیفیت فضاهای شهری، افزایش همبستگی اجتماعی و افزایش روابط همسایگان با یکدیگر می‌تواند به کاهش ترس از جرم منجر شود. نمونه یک چنین محله‌ای را می‌توان در مناطق مرکزی شهرهای بزرگ با جمعیت‌های ناپایدار یافت.

چنانچه برنامه‌ای در جهت کاهش جرم در نظر گرفته شود، می‌بایست اطمینان حاصل کرد که مردم از آن مطلع شده‌اند. بدیهی است، اجرای برنامه‌های پیشگیری بدون اطلاع رسانی در مورد آن تأثیری در کاهش ترس از جرم نخواهد داشت. یک نمونه عینی استفاده از دوربین‌های مدار بسته در مناطق پرخطر است. در حالیکه پژوهش‌های انجام شده بر کارایی این دوربین‌ها در کاهش ترس از جرم صحنه می‌گذارند، تحقیق‌ها نشان می‌دهد این تأثیر تنها زمانی وجود خواهد داشت که مردم از وجود این دوربین‌ها مطلع باشند.

ب) حیطة ترس از جرم (میزان جرایم پائین و میزان ترس از جرم بالا)

هدف اصلی در برنامه‌های مقابله با ترس از جرم مناطقی است که علی‌رغم میزان جرایم پائین، مردم بازهم احساس ترس از جرم دارند. در این مناطق می‌بایست با بکاربردن یک روش جامع و کارا بر نظرات و تصورات مردم در زمینه جرم تأثیر گذاشت و بدین ترتیب زمینه کاهش ترس از جرم و بالابردن میزان کیفیت زندگی را فراهم آورد.

نمونه این مناطق را می‌توان در مناطق روستایی و محله‌های مجاور مناطق جرم‌خیز (نظیر حومه لندن) یافت. وجود این مناطق مؤیدی برای این نظریه است که ترس از جرم ماهیتی مستقل از جرم دارد و در برخی موارد مردمی که به لحاظ آماری خطر بزه‌دیدگی پائینی دارند، میزان بالایی از ترس از جرم را تجربه می‌کنند.

ج) حیطة راهبردهای آموزشی (میزان جرایم بالا و میزان ترس از جرم پائین)

در مناطقی که میزان جرائم بالا بوده، ولی مردم ترسی از آن نداشته و حساسیتی نسبت به واقعیت‌های پیرامون خود ندارند، می‌بایست تلاش شود تا با اجرای برنامه‌های آموزشی میزان آگاهی مردم نسبت به جرائمی که ایشان را تهدید می‌کند بالا برده شود. با توجه به ماهیت نسبی ترس از جرم، این امکان وجود دارد که مردم یک منطقه در خصوص نوع مشخصی از جرائم ترس بالایی داشته، ولی از جرم دیگری غافل مانده باشند. در این حالت ضمن لزوم ارزیابی دقیق و علمی تصورات مردم، برنامه‌های آموزشی می‌بایست خاص و جهت‌دار طرح‌ریزی شود.

به هر حال، راهبردهای اتخاذی نباید به سمت وسوی افزایش بی‌مورد ترس از جرم در این مناطق طرح‌ریزی شود، بلکه باید کوشید تا مشارکت‌های مردمی در برنامه‌های پیشگیری از جرم افزایش یابد.

نمونه یک چنین منطقه‌ای را می‌توان در شهرهای دانشگاهی یافت، جایی که اکثر ساکنین به تازگی به این منطقه نقل مکان کرده‌اند و از خطرهایی که ایشان را تهدید می‌کند، آگاهی ندارند.

د) حیطة ایده‌آل (میزان جرایم پائین و میزان ترس از جرم پائین)

حالت ایده‌آل در بحث ترس از جرم جایی است که میزان جرایم و ترس از جرم هر دو پائین هستند. در حقیقت باید تلاش شود تا دیگر حوزه‌ها به این وضعیت نزدیک‌تر شوند. نمونه این مناطق را می‌توان در مناطق روستایی دورافتاده‌ای یافت که ارتباطات اجتماعی میان مردم همچنان قوی باقی مانده است.

۲/۵) طرح‌ریزی و اجرای برنامه‌های عملیاتی پاسخ به ترس از جرم

سازمان‌های دولتی برای کاهش ترس از جرم نقشی غیر قابل انکار دارند. با مطالعه برنامه‌های انجام گرفته توسط سایر کشورها و با توجه به خصوصیات پیش‌گفته ترس از جرم انجام مراحل نه‌گانه ذیل برای طرح‌ریزی و انجام یک برنامه موفق برای کاهش ترس از جرم ضروری به نظر می‌رسد:

۱) همفکری با جامعه هدف

برنامه‌های کاهش و پیشگیری ترس از جرم قبل از چیز می‌بایست با همفکری گروه‌های هدف به انجام برسد. مواجهه حضوری نهادهای تصمیم‌گیر و مجری با گروه‌های هدف آنها را در اتخاذ راهکارهای مناسب برای هر گروه کمک خواهد کرد. برای همفکری با گروه‌های

هدف، تعامل با گروه‌های فرعی و به ظاهر کم اهمیت جامعه از اهمیت بیشتری برخوردار است. در همفکری با گروه‌های هدف موارد ذیل می‌بایست مد نظر باشد:

- شناسایی مهم‌ترین گروه‌های هدف؛
- شناسایی میزان ترس از جرم در میان مردم جامعه و تعیین اینکه آیا میزان ترس از جرم در میان گروه‌های خاصی از جامعه چون سالمندان، افراد دارای سوابق قبلی بزه‌دیدگی، زنان و یا ... بیشتر از میزان معمول است.
- تعیین اینکه مردم و یا هریک از گروه‌های خاص بیشتر از چه اموری می‌ترسند، به عنوان نمونه تعیین اینکه ترس از جرایم علیه اموال، جرایم علیه اشخاص، خشونت، انحطاط فرهنگی و یا خرده فرهنگ‌ها در میان مردم و یا گروه‌های خاص به چه میزان وجود دارد ما را در اتخاذ راهبرد مناسب کمک خواهد نمود.
- تعیین اینکه آیا ترس از جرم به مناطق جغرافیایی و یا زمان‌های خاص محدود می‌شود یا خیر.

۲) تشکیل کارگروه با عضویت نمایندگان از گروه‌های هدف

در گام بعد نوبت به تشکیل کارگروه خاص برای مقابله با ترس از جرم می‌رسد. در تشکیل این کارگروه عضویت نمایندگان از گروه‌های ذیل ضروری خواهد بود:

- پلیس
- مقامات محلی دولت
- نمایندگان جامعه یا گروه هدف
- نماینده نهادهایی که مجری تصمیمات کارگروه بوده و یا این تصمیمات به نوعی از کارکرد آنها تاثیر می‌پذیرد؛ چون فوریت‌های پزشکی، آتش نشانی، مسئولین بهداشتی، مسئولین حمل و نقل عمومی و

۳) تعیین یک راهبرد مشخص برای مقابله با منشا اصلی ترس از جرم

در این مرحله کارگروه با اتخاذ تصمیماتی تلاش می‌کند تا با علت اصلی ترس از جرم به صورت فوری مقابله کند. اتخاذ تدابیر فوری و کوتاه مدت این اطمینان را در مردم بوجود می‌آورد که کسی به نگرانی آنها توجه نشان می‌دهد و کاری در حال انجام شدن است. به عنوان نمونه می‌توان به مستقر شدن نیروهای پلیس یا نیروهای انتظامی بخش خصوصی در نقاط پرخطر اشاره کرد. در اتخاذ راهبردهای خاص برای کاهش ترس از جرم ملاحظات ذیل می‌بایست مد نظر باشد:

- راهبرد اتخاذی نباید سبب جابجایی منشا ترس از جرم شود. به عنوان نمونه مستقر کردن نیروهای پلیس در مناطق پر خطر نباید سبب غافل ماندن ایشان از مناطق فرعی و حومه شهر شود.
- راهبرد اتخاذی نباید موجب ایجاد وحشت عمومی و بزه‌دیدگی اقلیت‌های قومی و نژادی در جامعه شود، بخصوص گروه‌هایی که به صورت قانونمند از امکانات عمومی جامعه بهره می‌برند.
- پرهیز از گزارش‌های منفی رسانه‌های گروهی؛ توضیح اینکه رسانه‌های گروهی با پرداختن به نکات منفی منطقه هدف در عمل به افزایش ترس از جرم کمک می‌کنند. برای نیل به این هدف مناسب آن است که رسانه‌های گروهی به جای پرداختن به اینکه

برنامه‌های حاضر سبب "کاهش ترس از جرم" می‌شود، به جنبه‌های ایجابی برنامه بپردازند و چنین القا کنند که برنامه‌های طرح‌ریزی شده سبب "بهبود امنیت عمومی" خواهد شد.

۴) انجام پژوهش برای شناخت علل محیطی و اجتماعی ترس از جرم

اکتفا به عللی که در بادی امر به نظر می‌رسد علل اصلی ترس از جرم است، در بلند مدت کارگشا نخواهد بود. در این خصوص نیاز به انجام تحقیق‌ها و پژوهش‌های میدانی وجود دارد تا کلیه علل و عوامل اصلی و فرعی ایجاد ترس از جرم شناسایی شود. همانگونه که در قبل اشاره شد، ترس از جرم می‌تواند عوامل متعددی داشته باشد، که برخی علل اصلی و برخی دیگر زمینه‌ساز ترس از جرم هستند. پژوهش صورت گرفته در خصوص علل ترس از جرم ممکن است به این نتیجه برسد که علل و یا عوامل ذیل به عنوان نمونه در ایجاد ترس از جرم دخیل هستند: عدم تعمیر وسایل و امکانات عمومی تخریب شده، کمبود وسایل و امکانات تفریحی و سرگرم کننده نظیر پارک‌ها و کتابخانه‌های عمومی، بسته بودن دائمی فروشگاه‌ها، وجود مغازه‌های خالی فراوان در منطقه، کمبود وسایل حمل و نقل عمومی که منجر به دشواری دسترسی مردم به مراکز رفاهی و خانواده می‌شود و ... در انجام پژوهش‌های پیش گفته امور ذیل شایسته توجه ویژه هستند:

- تحقیق بیشتر برای جمع‌آوری اطلاعات از جامعه هدف؛
- به کارگیری مددکاران اجتماعی برای ایجاد ارتباط با گروه‌های دخیل در ایجاد ترس از جرم نظیر جوانان؛
- مشورت با نیروهای پلیس در خصوص علل ایجاد ترس از جرم، به عنوان نمونه جرایم مواد مخدر می‌تواند منجر به افزایش جرایم علیه اموال و جراثم مرتبط با مواد مخدر در منطقه شده و همین امر افزایش ترس از جرم را در آن منطقه سبب شود.

۵) تعیین اهداف برنامه‌های عملیاتی

با توجه به داده‌های حاصل از تحقیق‌های انجام شده در حوزه ترس از جرم، اهداف برنامه‌های راهبردی برای کاهش ترس از جرم معین می‌شود. نمی‌بایست از خاطر برد که این اهداف بیش از هر چیز می‌بایست به صورت مستقیم یا غیر مستقیم بهبود وضعیت جامعه هدف را هدف بگیرند.

۶) تعیین راهبردها برای نیل به اهداف

همانگونه که بیان شد، بعد از شناسایی وجود ترس از جرم در میان جامعه هدف، نخستین گام اتخاذ راهبردی سریع و فوری برای مقابله با عاملی است که به نظر می‌رسد علت اصلی ایجاد ترس از جرم باشد. به هر حال، بعد از انجام پژوهش‌ها و تعیین کلیه علل ترس از جرم و همچنین تعیین اهداف عملیاتی، مشخص کردن راهبردهایی که برای نیل به اهداف تعیینی به کار ما می‌آید ضروری خواهد بود. تعیین این راهبردها ناگزیر با توجه به نیاز جامعه هدف، بودجه و مهارت‌های دست‌اندرکاران برنامه‌ها معین می‌شود. به موجب برخی پژوهش‌های به عمل آمده در این زمینه کاراترین راهبردها با ترکیب رویکردهای "بزه‌دیده شناسی" و "کنترل اجتماعی" حاصل می‌شود (Hale, 1996).

۷) اجرای برنامه‌ها در یک دوره آزمایشی

برای اجرای برنامه‌های کاهش ترس از جرم به مشارکت ارگان‌ها و نهادهای مختلف نیازمندیم. هر یک از این نهادها به موجب تصمیمات کمیته راهبری فوق‌الذکر انجام وظیفه‌ای را برعهده می‌گیرد. نتیجه نهایی برنامه از برآیند عملکرد تمامی این نهادها حاصل می‌شود.

بنابراین ضروری است که برنامه‌ها ابتدا برای یک دوره آزمایشی طرح‌ریزی شود. به عنوان نمونه چنانچه بخواهیم برنامه‌ای برای کاهش ترس از دله دزدی در یک مرکز خرید پیش‌بینی کنیم، احتمالاً مسئولین مرکز خرید می‌بایست مامورین حراست خود را تقویت کرده و پلیس حضور بیشتری در آن محل داشته باشد. همچنین شاید لازم باشد فروشندگان جوان جدیدی استخدام شوند که با جوانان مراجعه کننده به مرکز خرید تعامل داشته باشند، چرا که به موجب فرضیه‌های این برنامه فرضی، مشکل بیشتر از جانب جوانان ایجاد می‌شود. برای برآورد اولیه نتایج یک چنین برنامه‌ای ضروری است که این برنامه به صورت آزمایشی حداقل شش ماه اجرا شود.

۸) ارزیابی برنامه بعد از دوره آزمایشی

بعد از طی شدن دوره آزمایشی نوبت به ارزیابی برنامه و راهبردهای تعیینی می‌رسد. می‌بایست ارزیابی شود که این راهبردها تا چه میزان در دستیابی به اهداف تعیین شده موفق بوده است. ارزیابی از طریق تعامل و همفکری با گروه هدف، نظر سنجی، مقایسه داده‌ها، مقایسه گزارش‌های رسانه‌های گروهی در خصوص موضوع قبل و بعد اجرای برنامه، نامه‌های رسیده و سایر ابزارهای در دسترس برای ارزیابی انجام می‌شود. در این ارزیابی نمی‌بایست از آثار جانبی کاهش ترس از جرم غافل شد، چرا که یک برنامه ممکن است باعث کاهش موردی ترس از جرم شود ولی ترس از جرم را به جای دیگر منتقل کند و یا آثار نامطلوب روانی بر مردم منطقه باقی گذارد. با توجه به این ملاحظات ارزیابی دقیق و جامع برنامه اجرا شده از اهمیت زیادی برخوردار است.

۹) ادامه اجرای برنامه اصلاح شده

اگر برنامه‌های اجرا شده در ارزیابی به عمل آمده در مجموع نمره قبولی گرفت و موفق ارزیابی شد، می‌بایست بی‌وقفه ادامه یابد. البته شاید لازم باشد با توجه به ارزیابی به عمل آمده اصلاحاتی در برنامه به عمل آید، مثلاً برنامه‌های دیگری به صورت موازی در دیگر نقاط اجرا شود تا مانع جابجایی ترس از جرم شویم. چنانچه ارزیابی‌ها حاکی از عدم موفقیت برنامه در دستیابی به اهداف تعیین شده بود، می‌بایست با بازبینی داده‌های موجود، علت شکست برنامه مشخص شود. در این حالت می‌بایست به مرحله ۶ بازگردیم، به عبارت دیگر می‌بایست با کمک پژوهش‌ها و تعیین کلیه علل ترس از جرم و همچنین تعیین اهداف عملیاتی، راهبردهایی کارآمد در دستیابی به اهداف تعیین شود. البته در برخی موارد چنانچه شناخت اولیه از مشکل و علل اصلی ترس از جرم کاملاً اشتباه باشد و به عنوان مثال همفکری با جامعه هدف به خوبی انجام نگرفته باشد، طرح‌ریزی برنامه‌های جدید را باید از مرحله نخست مجدداً آغاز کرد.

۶) نتیجه گیری

ترس از جرم واکنشی احساسی است که با دو ویژگی احساس خطر و دلهره نمود می‌یابد و ناشی از ترس از صدمات فیزیکی است، این احساس برخاسته از نشانه‌های جرم محوری است که به تصور فرد در محیط پیرامونی وی وجود دارد. آمارهای رسمی مبین آن است که میزان مشخصی از جرایم در جامعه وجود دارد، ولی به موجب اکثر تحقیق‌های انجام شده در این زمینه ترس مردم از جرم هیچ‌گونه سنخیتی با میزان واقعی جرایم ندارد. به دیگر سخن، رشد ترس از جرم مسیری ناهمگون با میزان رشد واقعی جرایم را پیموده است؛ و همین نکته ما را بر این وامی‌دارد که ریشه ترس از جرم را نه در میزان واقعی جرایم ارتكابی بلکه در سایر عوامل نظیر سوابق بزه‌دیدگی، جنسیت، سن، نژاد و ... جستجو کنیم.

رابطه بزه‌دیدگی مکرر و ترس از جرم از پیچیدگی زیادی برخوردار است و مطالعه منابع موجود در این زمینه ما را به نتیجه واحدی رهنمون نمی‌سازد. به موجب برخی پژوهش‌ها تفاوتی میان افراد دارای سابقه بزه‌دیدگی و افراد فاقد سابقه بزه‌دیدگی در میزان ترس از جرم وجود ندارد، ولی یافته‌های برخی دیگر از محققین مؤید وجود تفاوت میزان ترس از جرم در میان این دو گروه است.

با توجه به ماهیت متغیر ترس از جرم می‌بایست تلاش کرد تا با انجام پژوهش‌های میدانی، علل و ریشه‌های ترس از جرم را شناسایی نمود. سپس با همفکری با گروه هدف و تمامی نهادهای درگیر و استفاده از ظرفیت‌های جامعه مدنی، راهبردی عملیاتی برای مواجهه و پاسخ به ترس از جرم با توجه به رهنمون‌های کلی برآمده از ماتریکس ترس از جرم اتخاذ نمود.

منابع

۱. ارزیابی خوانندگان مطبوعات از انتشار اخبار حوادث، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، بی تا.
۲. فردین علیخواه و مریم نجیبی ربیعی، *زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری*، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲، ۱۳۸۵.
۳. محمد فرجیها، بازتاب رسانه‌ای جرم، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲.
4. Angus Reid. (1997, July/August). The Angus Reid report.
5. Biderman ed. A. ,(1972). Fear of Crime and Its Effects on Citizen Behavior, in CRIME AND JUSTICE, Furstenberg.
6. Bonta, J., & Hanson, K. R. ,(1994). Gauging the risk for violence: Measurement, impact, and strategies for change: User report.
7. Borooah, V. K., & Carcach, C. A. (1997). Crime and fear: Evidence from Australia. *British Journal of Criminology*, 37(4), 635-657.
8. Canadian Centre for Justice Statistics. (1994, December). Trends in criminal victimization. *Juristat*, 14(18).
9. Canadian Centre for Justice Statistics. (1996). A geographical overview of crime and the administration of criminal justice in Canada. Ottawa: Statistics Canada.
10. Canadian Centre for Justice Statistics. (1997, July). Canadian crimes statistics, 1996. *Juristat*, 17(8).
11. Canadian Centre of Justice Statistics. (1995, March). Fear and personal safety. *Juristat*, 15(10).
12. Carcach, C., Frampton, P., Thomas, K. & Cranich, M. 1995, "Explaining fear of crime in Queensland",
13. Church Council on Justice and Corrections. (1995). Fear of crime in Canada: Taking the pulse of a nation. Ottawa: Church Council on Justice and Correction.
14. De Vans, D and Wise, S(1996) . The Fear of Attack: Parents' Concerns for the Safety of Their Children, *Family Matters*, 43: 34-38.
15. Dull, R. T., & Wint, A. V. N. (1997) Criminal victimization and its effect on fear of crime and justice attitudes. *Journal of Interpersonal Violence*, 12(5), 748-758.
16. Evans, D. J. (1995). Crime and policing: Spatial approaches. England: Avebury.

17. Ferraro, K. F. (1996). Women's fear of victimization: Shadow of sexual assault? *Social Forces*, 75(2), 667-690.
18. Gilchrist, E., Bannister, J., Ditton, J., & Farrall, S. (1998). Women and the 'fear of crime': Challenging the accepted stereotype. *British Journal of Criminology*, 38(2), 283-298.
19. Grabosky, PN 1995, Fear of crime and fear reduction strategies, Trends and Issues in Crime and Criminal Justice Series, no. 44, Australian Institute of criminology, Canberra.
20. Hale, C (1996) Fear of Crime: A Review of the Literature, *International Review of Victimology*, 4 (2): 79–150.
21. Horton, M. J. (1988). Fear of crime: A multidimensional approach. Edmonton: University of Alberta.
22. Hough, M. (1995). Anxiety about crime: Findings from the 1994 British Crime Survey. London: Home Office Research and Statistics Department.
23. *Journal of Quantitative Criminology*, vol. 11, pp. 217-89.
24. Lewis, D.A. & Salem, G. 1986, Fear of Crime. Incivility and the Production of a Social Problem, New Brunswick, Transaction Books.
25. MacLatchie, J. M.,(Ed.), (1987). Insights into violence in contemporary Canadian society.
26. Ranzijn, R, Howells, K & Wagstaff, V 2002, 'Fear of crime and protective behaviours in older and younger adults: results of a community survey', *Australian Journal on Ageing*, vol. 21, no. 2.
27. Silberman, C. (1978), *Criminal Violence, Criminal Justice*, 17-18 (1978).
28. Skogan, W. G., & Klecka, W. R. (1997). Fear of crime. Washington: American Political Science Association.
29. Sprott, J. B., & Doob, A. (1997). Fear, victimization and attitudes to sentencing, the courts, and the police. *Canadian Journal of Criminology*, 39(3), 275-291.
30. Taylor, R.B. & Hale, M. 1986, "Testing alternative models of fear of crime", *Journal of Criminal Law and Criminology*, vol. 77, pp. 151-89.
31. Valerie J. Callanan,(2005). Feeding the Fear of Crime: Crime-Related Media and Support for Three Strikes, LFB Scholarly Publishing LLC.
32. Walker, M. A. (1994). Measuring concern about crime: Some inter-racial comparisons. *British Journal of Criminology*, 34(3), 366-378.
33. Warr, M.A. 1987, "Fear of crime and sensitivity to risk", *Journal of Quantitative Criminology*, vol. 3, pp. 29-46.
34. Williams, P., and Dickinson, J.,(1993). 'Fear of Crime: Read All About It? The Relationship Between Newspaper Crime Reporting and Fear of Crime', *British Journal of Criminology*, 33(1):33–56.